خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴ . ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۱۷۶

اقتصاد پساتحریم در گفت و گوی خراسان با دکتر عادل پیغامی

تصویرسازی اقتصادی امروز دولت «پیشا انتخاباتی» است نه «پسابرجامی»

برنامه ای برای پساتحریم دیده نمی شود

حبیب نیکجو - دکتر عادل پیغامی، استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) است که در حال حاضر مسئولیت معاونت پژوهشی این دانشگاه را هم عهده دار است. دکتر پیغامی معتقد است که به موضوع رفع تحریم‌ها باید با نگاه فرصت نگریسته شود و رفع تحریم‌ها به خودی خود موهبت نیست. مهم نحوه برخورد و مدیریت اقتصاد در دوران بعد از برجام است. وقتی از او درباره چشم انداز اقتصاد ایران پس از تحریم ها می پرسیم ارزیابی در این باره را منوط به برنامه های دولت می داند و می افزاید آن چیزی که از برنامه ششم توسعه و بودجه سال ۹۵ می بینیم، فعلا برنامه ای دیده نمی شود. حتی در سخنرانی ها هم.....آن چه اکنون از دولت می شنویم بیشتر پیش از انتخاباتی است تا.....» گفت و گوی خراسان را با دکتر عادل پیغامی استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) بخوانید.

اکنون تحریم های ظالمانه علیه ایران برداشته شده و بسیاری از بندها از اقتصاد ایران گسسته شده است. در این شرایط، عده‌ای می گویند که اقتصاد مقاومتی به پایان راه خود رسیده است و در دوره‌ای جدید قرار گرفته ایم. نظر شما چیست؟

اجازه بدهید در شروع بحث مقدمه ای عرض کنیم. پایه بحث این جاست که از نظر اقتصادی، چه تحریم و چه عدم تحریم فرصت هایی است که می توان از آن ها استفاده کرد یا استفاده نکرد. به عبارتی می توان از این ها فرصت ساخت یا تهدیدی برای اقتصاد دانست. اینکه این وضعیت تبدیل به فرصت یا تهدید شود به نحوه عملکرد دو تدبیر ما بستگی دارد. ما که می گویم اعم از مسئولین و مردم است.

فارغ از اینکه این اتفاق بعد از برجام افتاده است، این سوال مطرح است که این فضا چقدر ویژه است. چون برخی ها دوست دارند، فضای پسا برجام را به عنوان یک مرحله یا نقطه عطف برای اقتصاد ایران معرفی کنند. این خود یک سوال است که آیا پسابرجام یک نقطه عطف است یا نه. ما مشابه شرایط پسابرجام را بارها در اقتصاد ایران مشاهده کرده ایم.

و فارغ از این که چقدر این فضا شکننده یا قابل تداوم است. این هم یک سوال است. چون ممکن است به هر دلیلی و در هر نقطه ای، روابط دیپلماتیک ما به دلیل درگیری ها در سوریه و یمن یا حتی مسائل داخلی مثل موضوعات موشکی به مشکل برخورد کند. یعنی ممکن است تحریم هسته ای نباشد اما تحریم های دیگری باشد. نظیر این مواردی که اخیرا داریم می بینیم. ما حتی در روز برداشته شدن تحریم ها شاهد این هستیم که تحریم های جدید اعمال می شود.

و فارغ از اینکه چقدر این معرفی و تبلیغی که از برجام می شود، واقعی است. بخشی از این فضا ممکن است ساختگی باشد. ساختگی نه به این معنا که غلط است، بلکه مراد صحنه آرایی هایی است برای انتخابات مجلس. یعنی من اقتصاددان دو ماه بعد از انتخابات می توانم در مورد واقعی بودن اثر برجام ارزیابی کنم. الان نه می گوییم دولت راست می گوید و نه می گوییم صحنه آرایی می کند. فقط احتمال می دهیم که بیشتر فضای پیش از انتخاباتی است تا پس از برجامی.

اما پس از دو ماه از انتخابات می توانیم به این نقطه برسیم که با دو سوال مواجه می شویم: چقدر می توانیم از این فرصت استفاده کنیم و چقدر این فرصت را به هدر می دهیم. ببینید هیچ کسی از اقتصاددانان و کسانی که حداقلی از عقل را داشته باشند، از قطع شدن روابط دیپلماتیک خوشحال نمی شوند. از کم شدن و رقیق شدن همکاری های اقتصادی بین المللی و جهانی خوشحال نمی شوند. هیچ کسی از انزوا استقبال نمی کند. اما اینکه حتما روابط دیپلماسی بالا منجر به شکوفایی اقتصاد ایران می شود هم یک ساده اندیشی است. مقابلش هیچ کسی از تحریم خوشش نمی آید. اما اینکه هر تحریمی را هم باعث بدبختی و فلاکت اقتصاد ایران بدانیم، درست نیست. تحریم بسته به مواجهه با آن می تواند تبدیل به خلق فرصت های جدید و مزیت نسبی شود. پس دو شوک به اقتصاد ایران وارد شده است و اینکه چگونه این شوک را کانالیزه کنیم، سوال اصلی ما باید باشد.

حضور صد و خرده ای شرکت جهانی نه خوب است و نه بد. آنچه که توافق می شود و امضا می گردد تعیین می کند خوب است یا بد. تحریم هم همینطور است. در اقتصاد هیچ چیز خوب مطلق یا بد مطلق نداریم. همه چیز «بستگی دارد» است. بعضی می گویند هزار میلیارد دلار سرمایه سال آینده وارد کشور می شود. من البته با شک به این موضوع نگاه می کنم، چون صفرهایش را می شناسم. اما فرض کنیم هزار میلیارد می آید. چون هزار میلیارد چیزی شبیه ۳۰ سال درآمد نفتی ماست ولی من اقتصاددان از شنیدن این خوشحال نمی شوم. بستگی دارد این هزار میلیارد دلار چگونه در کانال اقتصاد ایران وارد شود. این هزار میلیارد دلار می تواند تمام ساختار اقتصادی ما را تخریب کند و می تواند اقتصاد ما را رونق بدهد. اینکه ظرفیت جذب اقتصاد ایران از بازار سرمایه جهانی چقدر است، چیزی نیست که با سخنرانی من کم شود یا زیاد شود.

ممکن است بیاید حباب ایجاد کند، حباب بترکد و برود. منتهی وقتی حباب ترکید، طرف خارجی می رود اما برای اقتصاد ایران ضرر است. حتی اگر بزرگترین حالت مطلوب هم رخ دهد، برای ما مطلوب نیست. برای همین خوش بینانه اش این است که بگوییم در حال انتظار هستیم و بدبینانه اش این است که برای انتخابات مجلس صحنه آرایی می شود.

اما اگر در نظر بگیریم بخشی از این فضاسازی ها برای ایجاد فضای رسانه‌ای برای شوک دادن به بازار است، نگاه دولت قابل پذیرش است. یا به عبارت دیگر نگاه دولت به جای تاکید بر انتخابات سال بعد، ممکن است ریشه‌ای اقتصادی داشته باشد.

اثر خوبی است و مدیریت تصاویر ذهنی کار خوبی است که برای اقتصاد ایران لازم است اما این اثر کوتاه مدت است مگر اینکه زیرساخت های اقتصادی ایران جدی گرفته شود. به نظرم اقتصاد ایران بر اساس این فضاسازی ها نمی چرخد.

حالا که تحریم ها برداشته شده است و احتمالا تا دو سه سال آینده با تحریم های جدیدی مواجه نمی شویم، پیش‌بینی شما از اتفاقی که با رفع تحریم ها رخ می دهد چیست؟ به نظر شما سرمایه وارد کشور می شود یا نه؟

عرض کردم پیش بینی فعلا نمی کنیم تا دو ماه بعد از انتخابات. ولی آن چیزی که از برنامه ششم توسعه و بودجه سال ۹۵ می بینیم، فعلا برنامه‌ای دیده نمی شود. حتی در سخنرانی ها هم برنامه ای نمی بینیم. به همین دلیل این صحبت ها را بیشتر در فضای انتخابات می بینیم. متاسفانه پیش بینی من خوشبینانه نیست. نگاه من این است که به اندازه هزینه هایی که کردیم تا این فرصت را به دست بیاوریم، منفعت کسب نمی کنیم. ما داریم به سال های ۷۴ و ۷۵ برمی گردیم و همان اتفاق ها هم اگر رخ بدهد، باید خوشحال بود. چون آنجا حداقل اتفاق های خوبی در زمینه زیرساخت ها می افتاد که الان ممکن است رخ ندهد. مسائلی مانند خرید ناوگان هواپیمایی ضمن اینکه کارهای خوبی است، اسمش برنامه نیست و پر کردن چاله های اقتصادی است.

اگر برنامه کلی دولت را نگاه می کنیم متوجه می شویم که رویکرد کلی دولت این است که متغیرهای کلیدی مانند نرخ سود بانکی، نقدینگی، تورم و... را به عنوان ابزارهای سیگنال دهی ترمیم کند تا اقتصاد خودش کار خودش را انجام دهد. نظر شما در این مورد چیست؟

این نگاه غلط نیست اما ناقص است. نقش حکمرانی دولت را نمی توان نادیده گرفت. دولت در زمینه زیرساخت ها هم وظایفی دارد. دولت در زمینه تحقیق و توسعه، کشاورزی و... هم باید نقش ارشادی خودش را اجرایی کند. اینکه یک صفر و یکی ببینیم نباید بین دولت و بخش خصوصی رابطه مخالف دید. یعنی اینکه اگر دولت بکشد کنار، بخش خصوصی می آید جای دولت را می گیرد.

هنوز گفتمان عمومی دولت بین این صفر و یک است. حاضر نیست ترکیب بهینه بازار دولت را انتخاب کند. بین دولت و بخش خصوصی حداقل ۱۵ حالت وجود دارد. این یک بحث است. اما نکته دوم این است که آیا بدون اصلاح ساختارهای اقتصاد ایران می توان به رشد رسید. یک ساختار موضوع مالیات هاست. یک ساختار بحث های زیرزمینی بودن اقتصاد ایران است. یک ساختار بحث های اقتصاد سیاسی تصمیم سازی کشور است.

ساده بینانه است اگر فکر بکنیم که اگر بازار کار کند و بخش بین الملل باشد، دیگر کاری نداریم. بد نیست که یک مقدار حافظه های تاریخی را باز سازی کنیم. این دولت حتی به اندازه دولت اصلاحاتی که طرح ساماندهی اقتصادی داد هم برای اقتصاد ایران طرح ندارد. آن دولت حداقل انسجام سامان یافته ای داشت اما این دولت همین مسئله را هم ندارد.

اگر این نقد را به دولت وارد کنیم، ممکن است بگوید که اقتصاد ایران کشش اصلاحات و جراحی را ندارد. یعنی شما برای کاشت هر گیاهی باید بذر را در زمین بکاری و اگر زمین نامناسب باشد، اتفاقی نمی افتد. شاید دولتی ها می گویند که این زمین هنوز مهیا نیست. نظر شما چیست؟

بدنه دولتی ما در تمام دولت ها نسبت به بخش اقتصاد بدبین بوده و این بدبینی است که به این جا منجر می شود. واقعیت اینطوری نیست. بخش کشاورزی ما منتظر است که حمایت های لازم از آن بشود و آموزش های لازم به آن داده شود تا جهش کند. یک واحد کشت و صنعت در کاشان عسلی تولید می کند که ۸۵۰ دلار به ازای هر کیلو در دبی فروخته می شود. عسل خالص ارگانیکی که تامین می کنند. اصلا باور می کنید. این ظرفیت اقتصاد است که با کار تعاونی اتفاق افتاده است. کلمه ای که به بعضی ها که می گویید کهیر می زنند. یک تعاونی ساده در تجمیع زمین ها صورت گرفته است و در مرکز این کشت و صنعت ها زنبور داری راه انداخته اند. می گویند زنبور بیش از ۱۰ هزار متر نمی تواند برود و برای تولید عسل از یک محصول استفاده کرده اند. چرا از این قبیل فرصت ها استفاده نمی کنیم.

از یک طرف بدبینی هست اما در بخش خارج از اقتصاد که بخش رانت و غیرمولد است. بخش غیرمولد رانت خور که لابی می کند و فرصت ها را به سمت خود می برد، مانع از شکل گیری بخش مولد است. بنده پیغامی با همه سوابقی که در دانشگاه امام صادق دارم می گویم برای اصلاح نظام بانکی مستشار خارجی بگیریم. چون بلد نیستیم و اگر بلد باشیم با بدنه رانتی بانک نمی توانیم مراوده کنیم. تمام این مسائل یک شرط دارد و آن اقتصاد سیاسی است. دولت نگران انتخابات دو سال بعدش نباشد. چون اگر نگران باشد با جریان رانتی اقتصاد ایران نمی تواند مقابله کند تا جا برای بخش مولد باز شود. چون سر بزنگاه نیاز دارد به بخش رانتی و غیر مولد. اما اگر می خواهد انتخابات را مدیریت کنیم، فعلا در گیر هستیم، بعدش هم در گیر مجلسیم. تا بستان هم که مجلس شروع می شود. بعد از آن هم انتخابات ریاست جمهوری است و....

> حضور صد و خرده‌ای شرکت جهانی نه خوب است و نه بد. آنچه که توافق می‌شود و امضا می‌گردد تعیین می‌کند خوب است یا بد. تحریم هم همینطور است. در اقتصاد هیچ چیز خوب مطلق یا بد مطلق نداریم

ابزار اینکه دولت های کوتاه مدت را در مسیر قرار دهیم، تهیه برنامه است. با نگاهی کلی تر سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مطرح می شود تا دولت ها در این مسیر حرکت کنند. اما این سیاست ها خیلی راحت دور می خورند. حالا اخیرا استاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی مطرح می شود تا جلوی این اتفاق را بگیرد. راهکار مقابله با این اتفاق چیست؟

در کشورهای در حال توسعه مثل ما که تصمیم ها به دولت ها و مجلس ها وابسته است وجود یک لنگرگاه بسیار لازم است. این نهاد در ساختار کلان اقتصاد ما، مجمع تشخیص مصلحت نظام است که روی کاغذ خوب هم تعریف شده است. یعنی سیاست ها باید از سوی مجمع تشخیص مطرح شود که درگیر سینوس های انتخاباتی نشود و از سوی رهبری ابلاغ می شود که فراجناحی است. طبیعتا در اجرا هم باید نظارت شود. اگر مجمع خوب عمل کند، بخش اجرایی می تواند در دولت باشد، اما استاد مشترک در مجمع باید باشد. البته باید قوه قضائیه و قوه مقننه هم ستاد اجرایی اقتصاد مقاومتی داشته باشد. این موضوع را مقام معظم رهبری نگفته اند و من پیغامی می گویم.

الان دو سال از ابلاغ سیاست های اقتصاد مقاومتی گذشته است. به نظر شما چقدر در مسیر اجرایی شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی موفق بوده ایم؟

متاسفانه خیر. قسمت خالی لیوان را عرض می کنم اما قسمت پر هم دارد لیوان. اقتصاد مقاومتی حرکت می کند اما آرام. بعد از گذشت دو سال در یک ماه گذشته، اولین جلسه‌ای که این ستاد راه انداخت تا مسئله اقتصاد مقاومتی برای مدیران شکل گرفت در استان قم بود. استاندار آمد و ۴ ساعت نشست و همه تعجب کردند. دومین در استان البرز برگزار شد. قسمت پر لیوان این است که شروع شد اما دیر است.

در فضای دانشگاهی باید تقاضا صورت پذیرد. یک بخش کم از فضای دانشگاهی سعی می کند تا اقتصاد مقاومتی را به زبان علمی بیاورد. ۴ پایان نامه را خود بنده در موضوع اقتصاد مقاومتی پیگیری کردم و به نتایج خوبی رسیدم. دولت باید خریدار مطالعات اقتصاد مقاومتی باشد. بنده دانشگاهی با دو شرط همراه می شود: یکی اینکه زبان مشترک شکل بگیرد و دوم اینکه مطمئن باشد که خریدار دارد.

مسئولان می گویند به شرطی سرمایه گذار خارجی راه می دهیم تا تکنولوژی منتقل شود. آیا این تقاضا از طرف مقابل نیز وجود دارد؟ مثلا در صنعت نفت یا صنعت خودرو. یا به عبارت بهتر آیا واقعا بازار ایران آنقدر بازار جذابی است که ما صحبت از آن می کنیم؟

بازار ایران هم بازار بزرگ داخلی و هم منطقه ای است. در حوزه انرژی هم فرصت بین المللی و جهانی دارد. با این سه مورد، باید گفت که بازار ایران، بازار شیرینی است. چه در حوزه سرمایه گذاری و هم برای گرفتن بازارهای داخلی. حتی اگر فضا را باز کنم در حوزه کشاورزی ما هم علاقه مند هستند. منتها گفتن انتقال انرژی آسان است اما در عمل کار دشواری است. به دو، سه جهت نمی شود: اول اینکه منافع بلند مدت آن ها سبب می شود که این اتفاق رخ ندهد. او علاقه مند است که همیشه محصول خود را به ما بفروشد. جهت داخلی این است که ما مشکل چانه زنی داریم. یعنی اضافه کردن یک ضمیمه برای حقوق انتقال تکنولوژی مهم است. تجربه مفیدی هم در این زمینه نداشته ایم. یکی از ساختارهای قراردادهای نفتی جدید نیز این موضوع است.

در زمینه قراردادهای نفتی نظر شما چیست؟

من در این زمینه تخصص ندارم اما آقای دکتر درخشان می گویند که در قراردادهای گذشته متن قرارداد را در اختیار بدنه نخبگانی قرار نمی دادید و با آن ها در میان نمی گذارید و تنها رونمایی می کنید. الان هم دارید همین کار را انجام می دهید. الان که خودتان می گویید قراردادهای قدیم اشکالی داشت، چه بسا ۱۰ سال بعد هم بگویید این ها اشکال دارد. الان بگذارید به بحث تا حقوق دانان، اقتصاددانان و مالی های کشور بنشینند و بحث کنند. این یک اشکال کلی دارد. اما من نمی توانم بگویم حق با کیست. چون متخصص این زمینه نیستم.